

# پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

بررسی رویکرد اصلاحگری اقتدارگرایانه در ایران از دوره قاجار

سیدمحمدحسن مصطفوی<sup>۱</sup>

## چکیده

بسیاری از صاحب‌نظران، جنگ‌های ایران و روس را سرآغاز دوره جدیدی از تاریخ ایران و شکست‌ها را طلیعه اندیشیدن درباره عقب‌ماندگی ایرانیان می‌دانند که عباس میرزای ولیعهد را به فکر چاره‌جویی می‌اندازد؛ که این چاره‌جویی حدود ۲۰۰ سال است که ادامه دارد. سؤال این است که چرا برخی از کشورها که همزمان و حتی دیرتر از ما به فکر جبران عقب‌ماندگی افتاده‌اند پیشرفت کرده و کشور ما هنوز توسعه نیافته است؟ عباس میرزا، پایه‌گذار نوعی تحول اصلاحی اقتدارگرایانه در تاریخ ایران است که بعدها رهروان زیادی پیدا کرد که در این مسیر تلاش نمودند؛ اما به روح و لوازم آن توجه نشد و این روش اصلاحی دچار نوعی تعارض شد. از سویی تمام قدرت را در شخص شاه متمرکز می‌کرد و از سوی دیگر اصلاح ساختار فرهنگی و سیاسی را در موارد اساسی نادیده می‌گرفت. در این مقاله که از داده‌های اسنادی - کتابخانه‌ای بهره‌گیری شده و به روش توصیفی - تحلیلی و در مواردی مقایسه‌ای - تطبیقی به نگارش درآمده، برخی از دلایل ناکامی‌ها در دستیابی به توسعه اقتصادی و اکاوی و در پایان پیشنهادهاتی ارائه شده است.

**واژگان کلیدی:** رشد، توسعه، پیشرفت، اقتدارگرایی، امیرکبیر، دوره می‌ای‌جی، تنظیمات عثمانی

## ۱. مقدمه

برای نیل به پیشرفت، الگویی لازم است که از فرهنگ و ارزش‌های جامعه و نیز اقتضات عصری نشأت گرفته باشد وگرنه تلاش‌ها به نتیجه مطلوب نخواهد رسید. در این مقاله که به بررسی موضوع می‌پردازد، از داده‌های اسنادی - کتابخانه‌ای بهره‌گیری شده و به روش توصیفی - تحلیلی و در مواردی مقایسه‌ای - تطبیقی به نگارش درآمده، پس از مقدمه، در فصل‌های بعدی به ترتیب به مباحث زیر پرداخته شده است: بیان مساله، مرور ادبیات و پیشینه موضوع، تجربیات تاریخی کشورهای اسلامی و ایران، تجربه کشورهای منتخب در قرون اخیر، اصلاحگری در ایران، انقلاب مشروطیت و ظهور مجدد اقتدارگرایی، سخن پایانی، نتیجه‌گیری و پیشنهادات.

۱. عضو گروه پژوهشی اقتصاد ایران و توسعه دانشگاه تربیت مدرس: mmostafavi@modares.ic.ir

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

### ۲. بیان مسأله

از زمانی که روسیه شمال ایران را اشغال کرد، عباس میرزا ولیعهد فتحعلیشاه به فکر چاره جویی افتاد؛ که این چاره جویی حدود ۲۰۰ سال است که ادامه دارد. سؤال این است که چرا برخی از کشورها که همزمان و حتی دیرتر از ما به فکر جبران عقب‌ماندگی افتاده‌اند، پیشرفت کرده و کشور ما هنوز توسعه نیافته است؟ تلاش‌های طولانی اصلاحگران و عدم دستیابی به توسعه، ضرورت مطالعات جامعی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد و این مقاله در حد ناچیز خود، به بیان مسأله و نیز توضیحاتی درباره راه حل‌های احتمالی آن با نگاه تاریخی پرداخته است؛ تا شاید راهی به سوی پیشرفت کشور گشوده شود.

### ۳. مرور ادبیات و پیشینه موضوع

توسعه که در نگاه دینی می‌باید بستر اصلی تأمین سعادت فردی و جمعی باشد، از مسیر عمل اخلاقی یکایک آحاد جامعه می‌گذرد که محصول و برآیند آن در سطح کلان، سرمایه اجتماعی را به ارمغان می‌آورد و امروزه تقریباً مسلم شده که ظرفیت‌ها و فرایندهای اصلی رشد و توسعه کشورها برپایه ذخیره سرمایه انسانی، اجتماعی، فرهنگی و نهادی است و منابع اقتصادی شرط لازم و بسترهای فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی، شرط کافی فرایند توسعه‌اند (با استفاده از: رناتی، ۱۳۸۸).

تودارو، بر توجه به ارزش‌های والای انسانی و افزایش آزادی‌ها تأکید می‌نماید و عزت نفس فردی و اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی را برای جامعه توسعه یافته ضروری می‌داند (ر. ک: تودارو، ۱۳۷۷).

درک و هضم اندیشه اصلی تمدن، نظام آموزشی همگانی متناسب برای توسعه و برابری و آزادی انسانها و سازماندهی نهادهایی برای تحقق این اندیشه‌ها لازمه پیشرفت است (ر. ک: عظیمی، ۱۳۸۳).

درباره ارتباط اقتدارگرایی و عدم دستیابی به توسعه در کشورمان که این مقاله بیشتر حول این موضوع سامان یافته، مطالعاتی به انجام رسیده که از بین آنها، موارد مطرح‌تر در پی می‌آید:

به عقیده لمبتون (۱۳۶۲)، مهمترین وجه افتراق فنوودالیسم اروپا با نظام اجتماعی ایران، پیدایش انجمن‌ها و نهادهای جمعی صنفی مستقل اروپایی مانند اشراف بوده که در قبال حکومت، تا حد زیادی آزادی عمل داشتند و محدودیت قدرت حکومت را - برخلاف تمرکز قدرت در ایران - باعث می‌شدند.

در نظریه استبداد شرقی، نهاد کنترل‌کننده استبداد در کشورهای شرقی و آسیایی وجود نداشته و به همین دلیل، اقتدارگرایی دیرپا بوده و این جوامع اغلب به توسعه نرسیده‌اند (ر. ک: ویتفولگ، ۱۳۹۱).

کاتوزیان (۱۳۹۱) که جامعه ایرانی را کوتاه مدت می‌خواند، معتقد است فقدان دستگاه قضایی مستقل و بی‌اعتباری جان، مال، ناموس و آبروی همگان اعم از رعیت و درباری، مشکل دائمی جامعه ایرانی در تاریخ گذشته بوده است.

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

### ۴. تجربیات تاریخی کشورهای اسلامی و ایران

در مرور شکوفایی تمدن اسلامی و علل اصلی آن درمی‌یابیم که از قرن ۳ تا ۶ هجری مسلمین (و ایرانیان) در علوم و فنون نسبت به غرب برتری داشتند<sup>۱</sup> و در این دوره نوآوری و نظام آموزشی، به اوج رسید. اقتصاددانان اتفاق نظر دارند که شرط لازم رشد مداوم اقتصادی، نوآوری فناورانه است (Grossman & Helpman, 1991). آنها در پی یافتن دلایل پیشرفت ناگهانی علوم اسلامی از قرن دوم هجری بوده‌اند. بررسی‌های اخیر، دلیل اصلی را عامل رقابت (موثد) آزاد بین فاتحان مسلمان و اتباع نامسلمان سرزمین‌های فتح شده می‌دانند.

با شروع فتوحات مسلمانان، ساکنان سرزمین‌های فتح شده، اجازه یافتند در ازای پرداخت جزیه، بر دین خود باقی بمانند (افراد ذمی) و از حمایت حکومت اسلامی برخوردار شوند. که در اروپای مسیحی سابقه نداشت (Lewis, 2002)؛ و پیامبر اسلام (ص) یاران خود را تشویق کردند تا با مخالفان با برهان مواجهه کنند (ر. ک: خیرخواهان، ۱۳۸۹).

کثرت غیرمسلمانان، و قوانین اسلام که به مقامات اسلامی اجازه نمی‌داد تا آنها را به زور مسلمان کنند، حکام و علمای دینی را مجبور ساخت به روش‌های منطقی برای اقناع مخالفان متوسل شوند. آنها از طریق اعطای معافیت مالیاتی و ارتقای جایگاه اجتماعی تازه‌مسلمان‌ها، سعی می‌کردند کفار را به دین خود ترغیب کنند؛ که علمای یهودی و نصرانی با استدلال خود، با علمای مسلمان بحث‌های علنی می‌کردند تا مانع مسلمان شدن هم‌کیشان خود شوند. و بحث و جدل بین ادیان وسیله‌ای شد تا برتری هر دین به اثبات رسد. اهل کتاب در این مباحثات، دست برتر داشتند. آنها به منابع حکمت یونانی دسترسی و سابقه بیشتری در مباحث داشتند. که حاکمان و علمای مسلمان را مجبور ساخت تا اجازه ترجمه آثار مختلف ایرانی و یونانی و رقابت بین ادیان را به عالمان اسلامی و غیراسلامی بدهند تا به غیرمسلمانان پاسخ داده شود. مدارا با غیرمسلمانان باعث ایجاد محیط رقابتی بین ادیان و فرهنگ‌ها گردید (همان).

بدین گونه، بازاری پررونق از تبادل نظرات و استدلال‌های ادیان مختلف به وجود آمد که آزادانه با هم رقابت می‌کردند. از رهگذر رقابت بین اسلام و ادیان دیگر، علوم رشد کرد و نوآوری افزایشی شگرف یافت. نوآوری‌های آنها موتور پیشرفت بود و به تغییر جهان‌بینی مسلمانان نیز کمک کرد؛ که عامل اصلی در خیزش

۱. به عنوان نمونه محمد بن زکریای رازی (۳۱۳-۲۵۱ ه.ق)، محمد بن موسی خوارزمی (متوفی ۲۵۸)، ابوعلی سینا (۴۲۸-۳۷۰)، حسن بن هیثم (اهوازی) (۴۳۰-۳۵۴)، ابوریحان بیرونی (۴۴۲-۳۶۲)، خواجه نصیرالدین طوسی (۶۷۲-۵۹۷) که از سرآمدان دانشمندان عصر خود بودند (نصر، ۱۳۵۹)؛ همچنین عمر خیام نیشابوری (صاحب رساله جبر و مقابله)، غیاث الدین جمشید کاشانی (صاحب مفتاح الحساب)، محمد بن جریر طبری، یعقوبی (ساکن خراسان) و ناصر خسرو (در جغرافیا و نگارش سفرنامه) و ده‌ها تن دیگر از بزرگترین علمای روزگار در جهان محسوب می‌شدند.

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

تولید علمی مسلمانان به شمار می‌آید (Kuran, 1997) به نقل از: خیرخواهان، ۱۳۸۹). که پس از آن با اکثریت یافتن مسلمانان و کنترل آزادی‌ها، نوآوری علمی و فناوری و در نتیجه تمدن اسلامی رو به افول گذاشت و در قرون اخیر که کشورهای اسلامی نظیر کشور ما، در جهت توسعه گام برداشتند، با مشکلات بسیار مواجه بوده‌اند. در ایران، حدود ۲ قرن است که موضوع عقب ماندگی مطرح است و پس از دو انقلاب عظیم و چند جنبش سیاسی-اجتماعی گسترده، هنوز راه درازی در پیش است.

### ۵. تجربه کشورهای منتخب در قرون اخیر

در مقایسه روند اصلاحی با ایران، کشور اسلامی همسایه مورد مناسبی می‌باشد. همچنین کشور شرقی غیر اسلامی ژاپن نیز درس‌هایی برای ما دارد.<sup>۱</sup>

۱-۵. تنظیمات عثمانی: به دوره‌ای از تاریخ امپراتوری عثمانی از سال ۱۸۳۱م. (صدور دستخط گلخانه) تا ۱۸۷۶، اعلان فرمان مشروطه، دوره تنظیمات گفته می‌شود که جمع کلمه تنظیم به معنای نظم بخشیدن است و طی آن اصلاحاتی در همه زمینه‌ها انجام گرفت؛ که مهمترین مفاد آن، «محدود کردن اختیارات سلطان و برابری اتباع مسلمان و غیرمسلمان» و «حفظ و نگهداری اموال، آبرو و زندگی اتباع عثمانی» بود. به این منظور، نهادهای جدیدی برپا شد و تلفیق قوانین شرعی با حقوق غربی صورت گرفت. وزارت معارف، زمینه تأسیس دارالفنون، مدارس رشدیه و دارالمعلمین را فراهم کرد (فرهمندزاده، ۱۳۸۷). مهمترین موارد اصلاحی بعدی، آزادی، برابری مذهبی و تضمین حقوق مالکیت بود.

مجلسی تأسیس شد که با نظارت بر عملکرد کارگزاران دولت، تا استیضاح وزیران و توصیه به سلطان پیش می‌رفت (همان). اصلاحات اداری به منظور تمرکز زدایی صورت گرفت. اولین تلاش‌ها برای تأسیس دانشگاهی جهت تعلیم علوم تجربی، علوم انسانی و علوم دینی آغاز گردید (ر. ک: فرهمندزاده، ۱۳۸۷). دانش‌آموزان این مدرسه در ظهور جمهوری ترکیه نقش زیادی ایفا کردند. ایجاد مدارس جدید، و شروع نهضت ترجمه، ادبیات عثمانی را به پویایی رساند و در گسترش آگاهی‌ها و نفی استبداد تأثیر مهمی داشت. در سال ۱۸۶۰ با انتشار روزنامه، تحول عمده‌ای آغاز شد (رئیس‌نیا، ۱۳۸۲). نتیجه مهم تنظیمات تشکیل یک طبقه ترقی‌خواه

۱. در اینجا، اشاره کوتاهی به یک کشور غربی (انگلستان) در این موضوع نیز نکاتی در بر دارد. در بریتانیا نیز که از پیشگامان در این زمینه می‌باشد، «منشور کبیر» یا ماگناکارتا منشور قانونی است که به طور رسمی در سال ۱۲۱۵ م. به تصویب رسید که تأکید داشت که حتی پادشاه هم مشمول قانون است و باید از آن اطاعت و حقوق افراد را رعایت کند. این منشور به شکل‌گیری حکومت مشروطه در انگلیس منجر و حتی قانون اساسی آمریکا تحت تأثیر آن نوشته شد. و اما شاهزاده ملک‌آرا در خاطراتش نوشته، در موعده بازگشت ناصرالدین‌شاه از فرنگ، وی را بسیار غضبناک می‌بیند. همه کنجکاو می‌شوند که دلیل آن را بدانند. شاه می‌گوید در سفر همه جا پل و ساختمان و راه‌آهن دیدم. اما شما می‌خورید و می‌خوابید و به فکر اصلاح نیستید. ملک‌آرا می‌نویسد همه سرمان را پایین انداختیم و تأیید کردیم که مقصریم. هیچکدام از رجال جرات نکردیم بگوییم پادشاه انگلیس خودش را مسلوب‌الاختیار کرده، قبله عالم آیا حاضرید این کار را بکنید؟ نفس کشیدن ما هم با اجازه شمامست، کدام کار مملکت را شما اجازه می‌دهید ما انجام دهیم؟ (ر. ک: ملک‌آرا، ۱۳۲۷).

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

مسلمان معتدل از روشنفکران بود (تاریخ کیمبریج، ۱۳۸۱) و قدرت در دست بورکرات‌ها قرار گرفت. و زمینه را برای ترکیه مدرن فراهم آورد. تنظیمات، دولت و جامعه را نوسازی کرد و به مشارکت افزونتر دولت در جامعه انجامید (شاو، ۱۳۷۰). مقید کردن سلطان به قانون، احترام به حقوق انسان‌ها و عبور از تعصبات مذهبی دستاورد بزرگ تنظیمات بود (فرهمندزاده، ۱۳۸۷).

۲-۵. اصلاحات «می‌ای‌جی» در ژاپن: کتاب «نظریه تمدن» که در سال ۱۸۷۴ و در سال هشتم زمامداری «می‌ای‌جی» امپراتور ژاپن نوشته شده است، نظرات اصلاحگران ژاپنی را در باب چگونگی شکوفایی و دستیابی به تمدن روشن می‌کند. نویسنده می‌خواهد که در مواجهه با غرب، از «ساده‌سازی» خودداری شود و شناخت غرب تنها به مظاهر آن یا جنبه استعماری آن تقلیل نیابد: «... گذشت زمان شاهد دگرگونی جهانی ساده به جهانی پیچیده بود. در زمان حاضر دنیای غرب را می‌توان به درستی جهانی پیچیده توصیف کرد» (فوکوتساوا، ۱۳۶۳). در این میان، امپراتور و نیز پیشه‌وران قبول کردند که نظام شایستگی را بپذیرند. «می‌ای‌جی» ابتدا تدارک بازوهای اجرایی فراوانی برای خود دید و از این مسیر، نوعی بوروکراسی قوی برای پیشبرد اهدافش ایجاد کرد

او می‌نویسد باید برای شناخت این پدیده پیچیده اقدام کرد و این کار را می‌باید از طریق ترجمه متون غربی انجام داد. در برابر تمدن غرب نباید از در ستیز وارد شد، بلکه باید پذیرفت که آنچه در آنجا اتفاق افتاده محصول تجربه بشریت است در جهت آسوده زیستن. ابتدا باید روح مردم را بازسازی کرد، سپس به اصلاح حکومت و قانون پرداخت و آخر به مظاهر آن توجه نمود (ر. ک: توکلیان، ۱۳۹۳).

### ۶. اصلاحگری در ایران

عباس میرزا، قائم‌مقام، امیرکبیر و سپهسالار از اصلاح‌طلبان قاجاری بودند؛ که به برخی از آنها می‌پردازیم. عباس میرزا: بیش از ۲۰۰ سال است که موضوع عقب ماندگی در جامعه ما مطرح شده، و احتمالاً اولین کسی که این موضوع را مطرح می‌کند عباس میرزاست. شاهزاده اصلاح‌طلب و فرمانده کل قوای ایران در دوران جنگ‌های با روسیه. در آغاز قرن نوزدهم، کشورمان دو دوره جنگ با امپراتوری روسیه داشته و ما قفقاز و تمامی شمال ارس را از دست دادیم (زیباکلام، ۱۳۹۲). اما این تلخکامی، عباس میرزا را از عقب ماندگی کشور و ترقی شتابان اروپا و ضرورت انجام اصلاحات آگاه کرد.

ناپلئون که از تمایل فتحعلیشاه برای هم‌پیمانی با فرانسه اطلاع یافته بود، یک هیات عالی‌رتبه فرانسوی را به ایران روانه می‌کند که یکی از افراد نزدیک به خود، ژوبر<sup>۱</sup> را که تحصیل کرده مدرسه السنه شرقی بود و زبان های عربی و فارسی و ترکی را می‌دانست، با این هیات به ایران می‌فرستد. هیات از دو بخش تشکیل شده بود:

1. Jaubert (1779-1847)

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

بخش نظامی به سرپرستی «ژنرال گاردان» که یکی از افسران برجسته ناپلئون بود، و بخش سیاسی که «موسیو ژوبر» آن را سرپرستی می‌کرد.

آنچه در این دوره بر ایران رفته چنین بیان شده است: «نه سپاه را نظامی و نه رعیت را انتظامی و نه کار را دوامی و نه ملتزمان رکاب را قوامی و نه قلعه و حصاری که در هجوم ناپکاری به کار آید و نه از پیاده و سوار نامداری و کارگذاری که در میدان پیکار و هنگام کارزار در شمار آید» (دنبلی، ۱۳۸۳).

ژوبر در یکی از نوشته‌های خود، گفته‌های عباس میرزا را در ملاقات با وی نقل می‌کند که از او می‌پرسد: بگو ای مرد خارجی، ما برای اعتلای ایران چه کار باید بکنیم؟ (کانون ایرانی پژوهشگران فلسفه). سؤال عباس میرزا امروز هم مطرح است. چه باید کرد؟ راه برون‌رفت و راه رسیدن به توسعه کدام است؟ (ر. ک: زیباکلام، ۱۳۹۲).

بُن تان (۱۳۵۴) در مورد عباس میرزا می‌نویسد: بسیار علاقه‌مند به دانستن عوامل پیشرفت غرب است. و می‌خواهد هرگونه تأسیسات نظامی و غیرنظامی لازم را به سبک غرب بنیانگذاری کند.

در گزارش سفر گاردان آمده است که قرار بوده چند نفر اهل حرفه از جانب دولت فرانسه روانه ایران گردند (بُن تان، ۱۳۵۴). اینها، اقداماتی بسیار اندک بود و در مسیر آگاهی لازم برای ایرانیان قرار نمی‌گرفت. آنچه ایرانی‌ها فاقد آنند، فلسفه است که در این امور، نزد آنها آگاهی ایجاد کند تا آنگاه از لحاظ علوم و فنون با ما برابر شوند (گاردان، ۱۳۶۲).

سؤال عباس میرزا، در مواجهه با شکست‌های ایران است و به طور کلی، در قرون جدید مواجهه کشور با کشورهای پیشرفته، پس از شکست‌های سنگین است.

در آن روزها نه سیاست و روابط بین‌الملل را می‌شناختیم، نه می‌دانستیم که در جهان چه می‌گذرد، نه درکی از رقابت بین‌گریبان و قدرت آنها داشتیم و نه از انقلاب کبیر فرانسه (ر. ک: مهدوی، ۱۳۷۱).

عباس میرزا بیشتر به فکر تفوق نظامی و در نتیجه صنایع تسلیحات، کشتی‌سازی و پزشکی - آنهم عمدتاً برای مداوای مجروحان جنگ - بود و به همین جهت، رویکرد او به «مدرنیزاسیون دفاعی» معروف شد که با اقتدارگرایی همراه بود. در این شیوه سعی بر این بود عوامل سخت‌افزاری توسعه از طریق فناوری‌های بیگانگان فراهم آید و با توجه به طیف وسیع مخالفان که در برابر تغییر که قدرت‌شان را محدود می‌نمود، ایستادگی می‌کردند و ناآگاهی مردم و تعصبات و باورهای نادرست و نبود پیش‌زمینه ذهنی لازم از موانع فرارو، اصلاحات عباس میرزا را ناکارآمد ساخت؛ اگرچه اندیشه ترقی‌خواهی که عباس میرزا بنیان نهاد از بین نرفت و توسط دست‌پروردگان دستگاه وی، همچون امیرکبیر و دیگر دانشجویان اعزامی وی به اروپا پیگیری و دنبال شد (ر. ک: ناصری، ۱۳۸۵)؛ هرچند به نتیجه مطلوب نرسید.

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

امیرکبیر: پاکدامن و فسادناپذیر بود و پاکدست و از تملق و خودستایی، بیزار بود. آلودگی دربار را به «هرزگی» تحمل نمی کرد. در مواجهه با شاه جوان صریح و صمیمی بود و در تربیت او می کوشید و اگر لازم بود، سخنان درشت بر زبان می راند. دارای استقلال فکر بود و آنچه صلاح می دانست، عمل می کرد.

امیرکبیر توانست آشفتگی های بزرگ را آرام کند. صدارت مستعجل او اقتداری به حکومت ایران بخشید که مدتها از آن بی نصیب بود. او کوشید تا نظام اداری را از رشوه و توصیه بزداید و انضباط را جایگزین کند. سیاست خارجی مستقل اش، دوستی روس و انگلیس را برای او پدید نیاورد و نظارت مالی دقیق اش موجب نارضایتی دربار شد. به علاوه که در برابر مادرشاه و متنفذان دربار بی باک بود.

با نگاهی به اقدامات او می توان حدس زد که او بیش از هر چیز شیفته محصولات و مظاهر غرب بوده و فکر می کرده با گزینش آن محصولات، می تواند ایران را به پای غرب برساند.

اما از معماهای روزگار است که امیر کبیر سرنوشت حاجی میرزا ابراهیم خان کلانتر نخستین وزیر فتحعلی شاه قاجار را می دانست که وقتی مغضوب شد، مطابق فرمان شاه او را طی دو هفته به وضع بسیار رقت باری زجرکش کردند<sup>۱</sup> (ر. ک: سپهر، ۱۳۷۷). عباس میرزا ولیعهد فتحعلی شاه با از دست دادن حمایت ها و در ناکامی زندگی را وداع نمود. شاه بعدی محمدشاه قاجار بود و به فرمان او، اولین صدراعظمش، قائم مقام (مخدوم امیرکبیر) را خفه کردند<sup>۲</sup>. چه تضمینی وجود داشت که شاه بعدی ناصرالدین شاه با نخستین صدراعظمش، رفتاری شایسته تر داشته باشد. بخصوص که اولین صدراعظم هر پادشاهی چون نقشی مهمی در به تخت رساندن پادشاه ایفا می نمود و مدعیان را سرکوب می کرد و چهره های نیرومند از خود نشان می داد، بعدها بیشتر در معرض خطر بود (ر. ک: توکلیان، ۱۳۹۳).

از سوی دیگر، امیرکبیر در ارتباط با تنظیمات عثمانی قرار گرفته بود.<sup>۳</sup> او در این مدت با معمار تنظیمات ارتباط داشت (اردکانی، ۱۳۵۷)؛ اما اقتباس ناقصی از آن را برگرفت.

اشتباه امیرکبیر بود که در اصلاحات خود- برخلاف تجربه عثمانی- توجهی به ماهیت فسادانگیز قدرت متمرکز و انحصاری نکرد، و اختیارات دیگران را محدود و همه قدرت را در شخص شاه متمرکز کرد و هیچ تدبیری برای مهار قدرت و ملتزم ساختن شاه به حداقلی از رویه ها نیندیشید. در چنین حکومتی مبدأ اصلاحات از بالاست و مردم نه در آن نقشی دارند و نه جز اطاعت چیزی از آنها انتظار می رود. در این نظام هیچ

۱. وی هنگام مرگ ۵۶ سال داشت.

۲. به دلیل اینکه قائم مقام از شاه قول گرفته بود که اگر مورد غضب قرار گرفت، هر تنبیهی را متحمل شود ولی خون او ریخته نشود؛ و شاه برای اینکه به قول خود عمل کند، دستور می دهد که خون او را نریزند و فقط خفه اش کنند! وی نیز هنگام مرگ ۵۶ سال داشت.

۳. امیر به مدت چهارسال (۱۸۴۷-۱۸۴۳ م.) سفارت در عثمانی با تنظیمات آشنا شد.

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

قدرت رقیبی تحمل نمی‌شود. کانون‌های قدرت اعیان، اشراف و روحانیان به نفع قدرت اصلی و مرکزی مصادره می‌شود. تا در پرتو ذلت آنها شکوه مقام سلطنت درخشش بیشتری پیدا کند.

ساختار قدرت قاجار، هرمی شکل بود. شاه در رأس و شبکه‌های قدرت فردی که روحانیان، دیوانسالاران، شاهزادگان، امرا و سران ایلات در سلسله مراتب بعدی قرار می‌گرفتند. اما راه مبارزه با آنها و رقابت ناسالم‌شان نمی‌بایست به نابودی قدرت آنها، و افزایش قدرت پادشاه می‌انجامید. تکثر مراکز قدرت شرط لازم برای مشروط و مقید کردن تصمیمات قدرت فائقه بود (همان). تلاش امیرکبیر هم معطوف به تضعیف این مراکز قدرت بود. تمرکزگرایی او در حوزه اقتصادی به شکل ظهور یک بوروکراسی نیرومند در مرکز درآمد و از این حیث مانع شکل‌گیری مراکز مختلف مالی در ایالات شد (کاتوزیان، ۱۳۷۲).

یکی از ابعاد خودکامگی در زمان امیرکبیر دستگاه مخفی خبررسانی‌ای بود که دیگر هیچ‌کس نمی‌توانست با خیال آسوده در مورد دولت سخن بگوید (وقایع نگار، ۱۳۳۸).

لغو آیین بست‌نشینی نیز از اقدامات امیرکبیر در جهت نابودی مراکز قدرت رقیب بود، بی‌آنکه عواقب کار را بسنجد و یا بر بی‌پناهی عامه در برابر قدرت فائقه حکومت تدبیری کند. بست‌نشینی از بی‌ضابطگی نظام حاکم نشأت می‌گرفت و در جوامعی که حقوق مدنی افراد به رسمیت شناخته نشده، کارکرد داشت و نیازی را پاسخ می‌داد. مدرنیزاسیون امیرکبیر اقتدارگرایانه بود. به علاوه در اصلاحات خود توجهی به اصلاح ساخت سیاسی نداشت. روش او بعدها نیز در دوره‌های مختلف در ایران به کار گرفته شد، اما این روش‌ها هیچگاه ما را به مدنیت جدید نرساند (توکلیان، ۱۳۹۳).

### ۷. انقلاب مشروطیت و ظهور مجدد اقتدارگرایی

اگر به نسبتی که مشروطه خواهی گسترش می‌یافت، فضای اجتماعی و سیاسی کم‌کم گشوده می‌شد - امری که در زمان مظفرالدین شاه اتفاق افتاد و فرمان مشروطیت با مسالمت توسط شاه صادر شد - کشور می‌توانست به پیشرفت برسد، بدون هزینه‌های گزاف بویژه هزینه‌های جانی انسان‌ها؛ اما محمد علی شاه رویه بسیار خشنی را به کمک روسیه در پیش گرفت<sup>۱</sup> و اگرچه شکست خورد، اما انقلاب مشروطه نیز دچار تندروی‌ها و بی‌برنامگی و هرج و مرج شد.

دو دهه بعد از نهضت مشروطه، آشفتگی‌های سیاسی باعث شد آرمان تمرکزگرایی، ناسیونالیسم و دولت مقتدر مورد توجه واقع شود و آزادی‌های اقتصادی و حقوقی فردی تحت‌الشعاع جریان حاکمیت ملی و حفظ یکپارچگی کشور قرار گیرد. مجموع این شرایط زمینه‌های برآمدن سلطنت پهلوی را فراهم کرد؛ چرا که بدیل

۱. محمد علی شاه که پس از فوت مظفرالدین شاه جانشین او شد، به مشروطه طلبان گفته بود من این فرمان مشروطیت را به هیچوجه قبول ندارم، اجداد ما حکومت را به زور شمشیر گرفته‌اند و اگر شما هم می‌توانید، آن را به قدرت شمشیر از ما بگیرید! و البته مشروطه خواهان همین کار را کردند.



## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

استبداد در ایران آزادی نبوده، بلکه هرج و مرج بوده است (ر. ک: کاتوزیان، ۱۳۸۹). بعد از رضاشاه، یک دهه آشفتگی سیاسی و عدم اقتدار حکومت به وجود آمد و نوعی هرج و مرج غالب شد. در آن زمان احزاب و جریان‌های سیاسی مختلف شکل گرفتند، ولی بیش از آنکه هدف اصلی حاکمیت قانون، آزادی‌های فردی و نظام اقتصادی مدرن باشد، نوعی اجنبی ستیزی و استقلال طلبی بود.

در سلطنت محمد رضا پهلوی، همان عناصری مورد تأکید قرار گرفت که روشنفکران، آن را نمایندگی می‌کردند، یعنی ناسیونالیسم و اقتصاد دولتی تثبیت شد. این ویژگی البته تا انقلاب اسلامی و مدتی پس از آن ادامه پیدا کرد.

در توسعه آمرانه، دولت مبتکر سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و تأسیس صنایع جدید بود؛ با این بهانه که چون بخش خصوصی توانایی چنین سرمایه‌گذاری‌هایی را ندارد، دولت اینها را ایجاد و بعد به بخش خصوصی واگذار کند. این توسعه آمرانه بود و عرصه اقتصادی و صنایع جدیدی که دولت ایجاد کرد، هیچگاه به درستی به حوزه‌های غیردولتی واگذار نشد.<sup>۱</sup>

بعد از انقلاب اسلامی، این گرایش ناسیونال سوسیالیستی تشدید شد و قدرت متمرکز و به تبع آن، اقتصاد دولتی کنار گذاشته نشده که یکی از بزرگترین عوامل توسعه نیافتگی ما است.

مشکل دیگر مشکل روشنفکران و طبقه متوسط است که از زمان رضاشاه به این سو، به اقتصاد دولتی عادت کرده و تصور می‌کنند که اگر سایه دولت از اقتصاد کنار برود، اقتصاد جامعه از هم می‌پاشد (ر. ک: غنی‌نژاد، ۱۳۸۹).

### سخن پایانی و جمع بندی

در کشورهای شرقی اسلامی، در حوزه فلسفه عملی (سیاسی)، تفکر افلاطون تا حدود زیادی سیطره یافت (مصطفوی، ۱۳۹۳). علاوه بر آن، در ایران «شاه‌گزینی» در ادوار طولانی مبتنی بر «فره ایزدی» بود که البته از نظر منطقی به دور باطل می‌مانست.<sup>۲</sup> به این ترتیب، شاه مشروعیت اش را از بالا می‌گرفت و نیاز چندانی به

۱. درباره انقلاب اسلامی، بحث مستقل و میسوطی لازم است اما در اینجا به اشاره ای بسنده می‌شود: در طلیعه انقلاب اسلامی که جامعه دستخوش تحولاتی شده و گرایش مذهبی بیشتری پیدا کرده بود نیز اگر محمد رضا پهلوی به خواست عمومی و علما گردن می‌نهاد، کشور با هزینه‌های کمتری پیشرفت می‌کرد و چه بسا به توسعه می‌رسید؛ اما به نسبت تحول اجتماعی و مذهبی، شاه به جای آنکه پیشقدم شود و فضایی را به نسبت قدرت جامعه مدنی برای آن ایجاد کند، به مدد منابع نفتی، عرصه را تنگ‌تر می‌خواست و حتی دو حزبی را که دولت ساخته بود را منحل و به جای آن یک حزب تأسیس نمود و اظهار داشت هرکس که نمی‌خواهد عضو حزب شود، از کشور خارج گردد. از نظر مقابله با گرایش‌های فزاینده دینی، همان تغییر تقویم هجری به شاهنشاهی، به اندازه کافی نشان از بی‌درایتی او داشت. در خاطرات علم مشاهده می‌شود، توهین و فحاشی شاه به مخالفان، رقبا و حتی نزدیکان و درباریان، با افزایش درآمدهای نفت خام، رابطه مستقیم دارد (ر. ک: یادداشت‌های علم، ۱۳۹۲، جلد ۴، ۵ و ۶).

۲. چه کسی شاه می‌شد؟ آنکه دارای فره ایزدی بود و چه کسی دارای فره ایزدی بود، آنکه شاه می‌شد؛ و فقط بعد از به دست گرفتن پادشاهی توسط آنکه حاکم می‌گردید، می‌شد گفت که چه کسی دارای این خصوصیت بوده است!

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

نظریه پردازی در این زمینه احساس نمی‌شد و به این دلیل در ایران گذشته، اندرز نامه، نصیحت الملوک و آیین نامه نویسی (حکمت عملی) بیشتر رونق داشت (ر. ک: آغاچری، ۱۳۹۳). این دیدگاه‌ها را اگر به حوزه اقتصاد برگردانیم که سیطره دولت بر اقتصاد نتیجه آن شده است، در بررسی اندیشه اقتصادی در کشورمان ملاحظه می‌کنیم که اولین کتاب اقتصادی که به فارسی ترجمه شده است، کتاب «اقتصاد سیاسی» نوشته «سیسمون دو سیسموندی» اقتصاددان سوئیسی مخالف اقتصاد آزاد بود (سیسموندی، ۱۳۸۶: مقدمه).<sup>۱</sup> این کتاب را ژول ریشار<sup>۲</sup> از معلمان دارالفنون به فارسی برگردانده است.

از طرفی برای تحولات اقتصادی و اجتماعی بستر مناسب سیاسی لازم است که در رأس آن، تناسب در اقتدار یا توزیع متناسب قدرت ضرورت می‌یابد (ر. ک: رنانی، ۱۳۸۱). از سوی دیگر، هر برنامه اصلاحی باید دارای مبانی روشن نظری بوده و حاملان، مجریان و عموم مردم باید به درجه‌ای از بلوغ و رشد فرهنگی رسیده باشند. تأسیس نهادهای جدید تا مورد پذیرش و حمایت عمومی قرار نگیرند، راهگشا نخواهند بود و گاه اصل نهادها لوٹ می‌گردد.

این پیش‌نیازها با دیدگاه اصلاحگران و توسعه خواهان که شاه را مانند پدری مهربان که امور رعایا را سامان می‌دهد، در تعارض قرار می‌گیرد. رعیتی که از نظر اینان، فاقد قدرت انتخاب اند و به سرپرست نیاز دارند؛ در صورتی که اصل این است که حکومت نه پدری مهربان که شر لازم است و به همین دلیل، قدرت می‌باید هرچه محدود، قانونمند و قابل نظارت و کنترل باشد، اما اصلاحگران کشور ما در ۲ قرن گذشته - و بویژه امیرکبیر - نه تنها در چنین مسیری گام برنداشتند بلکه تمام تلاش برخی از آنها مصروف این بود که به اقتدار انحصاری قدرت مرکزی بیافزایند.

به نظر می‌رسد بخش زیادی از تعریف و تمجیدی که درباره امیرکبیر رایج شده، ناشی از مظلومیت وی در صدور حکم قتل از سوی شاه و نیز هنگام کشته شدن<sup>۳</sup> و نحوه مرگ اوست؛ موضوعی که باعث می‌شود تا بسیاری از واقعیت‌های تاریخی نادیده گرفته شود (ر. ک: رادمرد، ۱۳۹۲).

اینکه ما هنوز سوگوار مرگ امیرکبیر هستیم، نشان از آن دارد که هم مساله‌مان، هنوز مساله زمانه امیرکبیر است و هم اینکه تصور می‌کنیم او می‌توانست مسائل را حل کند. اما سؤال این است که آیا اقدامات امیرکبیر و

۱. سیسموندی اولین اقتصاددانی بود که به مخالفت با اقتصاددان کلاسیک برخاست و بر خلاف آنها، نوشت که افزایش ثروت هدف اقتصاد نیست و تأکید بر توزیع آن است. وی مداخله دولت را به جای رقابت آزاد خواستار بود. جالب است که حدود یک قرن پس از ترجمه آن کتاب، رساله «ثروت ملل» آدام اسمیت به عنوان اولین کتاب کلاسیک علم اقتصاد در سال ۱۳۵۷ هجری شمسی - آنهم توسط سیروس ابراهیم زاده، تحصیل کرده هنر و بازیگر - به فارسی ترجمه و منتشر شده؛ درحالی که ثروت ملل حدود نیم قرن قبل از اقتصاد سیاسی نگارش یافته بود.

۲. ژول ریشار معلم زبان فرانسه دارالفنون بوده و از اینکه بعداً نام رضا را برای خود انتخاب نموده، گویا مسلمان شده است.

۳. در سن ۴۴ سالگی به حکم شاه ۲۰ ساله.

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

روش او در اصلاحات می‌توانست ما را به توسعه نایل گرداند؟ آیا نخبگان ترکیه و ژاپن نیز تجربه‌ای یکسان داشتند و واجد دیدگاهی مشابه در باب چگونگی اخذ تمدن بودند؟ برای نمونه در آن دوره دولتمردان ژاپنی راه را بر ورود محصولات غربی بستند و در مقابل، راه بر ورود مکتوبات غربی گشودند. کتاب‌های کانت و میل در عصر میجی به ژاپنی ترجمه شدند (توکلیان، ۱۳۹۳). همچنین برخلاف می‌ای‌جی، امیرکبیر، یآوری نداشت و می‌خواست یک‌تنه همه بار اصلاحات را به دوش بکشد.

و البته قبل از هر اقدامی، جامعه ایران نیاز به اصلاح داشت و تجددخواهی اصلاحگران هم بی‌نیاز از اصلاح نبود. در آن زمان تفاوت ایران و اروپا، تفاوتی تلقی می‌شد که با مجهز شدن به فن‌آوری خارجی قابل رفع بوده است؛ و نه اختلاف دو دیدگاه در مبانی فکری و ارزش‌ها و ریشه‌های فرهنگی و تاریخی.

به هر طریق در تأمل درباره تجددخواهی اصلاحگران اولیه و فارغ از اینکه درباره حسن نیت و وطن‌پرستی آنها چه نظری داشته باشیم<sup>۱</sup>، باید گفت که آرمان‌خواهی آنان همراه با واقع‌بینی نبود.

برای کسب صنایع و علوم جدید نیز تأکید بر علوم نظامی، دریایی و پزشکی آنهم برای تفوق در جنگ‌ها بود؛<sup>۲</sup> درحالی که جامعه ایرانی، با فرهنگ پیشرفت‌آشنایی نداشت و با ارزش‌های جدید متناسب با توسعه بیگانه بود. نظر سرجان ملکم (۱۲۸۶) در این باره در یک جمله به خوبی گویا است: حاکمی شاید به فکر ترقی و اصلاح بیفتد، و می‌خواهد کاری کند که می‌باید به موجب قانون باشد و به زور صورت نخواهد گرفت. به علاوه اینکه ترقیات به تدریج است، در ابتدا باید مردم کم‌کم به آن آشنا شوند تا بعد به آن میل کنند و آلا دوام نخواهد یافت.

از سوی دیگر، ایده سیطره دولت بر اقتصاد و تحدید مالکیت خصوصی، همواره مد نظر روشنفکران سده اخیر در ایران بوده است، از علی اکبرخان دهخدا مبارز، روشنفکر و ادیب بزرگ روزگار خود که ابراز می‌داشت: «مذهب مقدس اسلام موافق‌ترین همه مذاهب عالم با اصول سوسیالیزم است» (ر. ک: دهخدا، ۱۳۲۶ق) تا علی اکبر خان داور<sup>۳</sup> که معتقد بود: «جز دولت، هیچ قوه‌ای قادر به رفع بحران نیست از تجار امروز ما نمی‌شود انتظار داشت بازار برای محصول ایران پیدا کنند و فقط دولت قادر به این امر است» (ر. ک: داور، ۱۳۰۵). علی اکبر داور به امیرکبیر دوره پهلوی ملقب شد. بسیاری از داور و اصلاحات وی ستایش کرده‌اند ولی او از

۱. که اکثر قریب به اتفاق مورخان و صاحب نظران تاریخ درباره حسن نیت و وطن‌پرستی او ظاهراً شکی ندارند.

۲. موریه نقل می‌کند: هنگام دیدار با قائم مقام وزیر عباس میرزا، او را بیش هر چیز شیفته کشتی‌های انگلیسی دیدم. از نظر او راز تفوق انگلیسی‌ها در کشتی‌های آنها بود. در جواب گفتم که تفوق انگلیسی‌ها مدیون کسانی است که بر آن کشتی‌ها سوارند ... با این حال وی قانع نشد» (ر. ک: موریه، ۱۳۸۶).

۳. علی‌اکبر خان داور (۱۳۱۵-۱۳۱۵) از رجال سیاسی دوره رضاشاه بود که در پست‌های وزیر مالیه، معارف و مدتی عدلیه انجام وظیفه کرد. او بنیانگذار دادگستری نوین ایران است. ایجاد نظام قضایی در کشور، تأسیس «اداره ثبت احوال»، تدوین «قانون ثبت اسناد»، «قانون ثبت املاک»، «قانون ازدواج و طلاق» و تأسیس بیمه ایران از مهمترین دستاوردهای او بود. بسیاری مرگ وی را یکی از ترورهای سیاسی دولتی مخالفان دوران رضاشاه می‌دانند.

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

پایه‌گذاران سلطنت استبدادی بود که خود نیز مانند امیرکبیر قربانی آن شد. این طرز تفکر اقتصادی در دهه های گذشته به متفکران دینی و نیز روحانی سرایت کرده، و از این جهت کافی است که آثار نویسندگان اثرگذاری چون جلال آل احمد و علی شریعتی<sup>۱</sup> و حتی برخی از فقها در قبل و ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی مرور گردد.

نکته دیگری در اینجا قابل یادآوری است، که به نظر می‌رسد رییس دولت دوره سازندگی نیز تحت تأثیر امیرکبیر بود<sup>۲</sup> و در کتاب خود، زندگی پر فراز و نشیب امیر را بررسی و در آن غور کرده است. و هنگامی که در مصدر اجرا قرار می‌گیرد، همان مدرنیزاسیون ابتدایی و فاقد مدرنیته- چیزی شبیه مدل امیرکبیر- را دنبال می‌کند، بدون تأمین پیش نیازهای اصلاحی در تنظیمات حکومتی. در این دوره نیز از ضرورت های بنیادی و نرم افزاری توسعه پایدار غفلت گردید و به سخت افزارها و پیشرفت های فیزیکی و ملموس و قابل مشاهده بسنده شد.

باید توجه داشت که دولت توسعه‌خواه حکومتی است که برای توسعه برنامه‌ریزی می‌کند و به موازات تحقق توسعه، نقش خود را به جامعه مدنی واگذار می‌کند، و بویژه به موازات رشد بخش خصوصی، نقش دولت در اقتصاد کمرنگ می‌شود.

در دهه های اخیر در ایران، اقتدار دولت عمدتاً با درآمد نفت بالا مانده است اما ویژگی جامعه ایران این است که اقتدار جامعه مدنی نیز رو به رشد بوده که علت این موضوع رشد فناوری، جوانی جمعیت و تحول نسل‌ها است. همزمانی تحولات جمعیتی در ایران با تحولات جهانی یعنی پدیداری عصر اطلاعات و فناوری، و برخی تحولات دیگر<sup>۳</sup>، افزایش اقتدار جامعه مدنی را ایجاد کرده است. اگر اقتدار جامعه بالا برود و دولت هم اقتدار خود را بالا نگهدارد، یک پتانسیل درهم‌ریزی به وجود می‌آید، بویژه اینکه مردم ایران در گذشته نشان داده اند در بازی‌ای که شکست بخورند، شرکت نمی‌کنند، اما وقتی فهمیدند با حضور در بازی برنده می‌شوند، به‌طور جدی وارد بازی می‌شوند، اما آنگاه دیگر برای مدیریت و هدایت حرکت‌های اجتماعی دیر است (ر. ک: زنانی، ۱۳۹۱).

۱. «ما سوسیالیستیم ... سوسیالیسم برای ما تنها یک سیستم توزیع نیست، یک فلسفه زندگی است و اختلاف آن با سرمایه داری در شکل نیست در محتوی است» (شریعتی، ۱۳۵۹: ۸۰).

۲. یکی از کتاب های مهم وی «امیرکبیر: قهرمان مبارزه با استعمار» است (ر. ک: هاشمی رفسنجانی، ۱۳۴۶).

۳. مانند رشد شهرنشینی، رشد تحصیلات، رشد طبقه متوسط، گسترش ارتباطات و افزایش مشارکت زنان.

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

تجربه ج. ا. ایران نشان داده است در دوره‌هایی با گرایش به اقتدارگرایی - که انقباض نسبی در کشور، هزینه انتقاد را بالا برده - از طرفی، فساد مالی<sup>۱</sup> و اداری<sup>۲</sup> افزایش یافته و از طرف دیگر، توسعه و بعضاً حتی رشد اقتصادی تحت تأثیر قرار گرفته و با افول مواجه شده است.<sup>۳</sup> و امروز که فضا بازتر شده، این موارد برملا و پیگیری می‌شود.

### نتیجه‌گیری

عباس میرزا خود از ارکان حکومت ایران است و حکومت استبدادی ممکن است در نظر موافق توسعه باشد؛ اما در عمل، آنگاه که حکومت قانون و واگذاری برخی از اختیارات حاکمیت به نهادهای مستقل پیش می‌آید، حکومت، به مثابه دولت کارشکن وارد عمل و سد راه می‌شود.<sup>۴</sup> آگاهی عباس میرزا از عقب‌افتادگی و نیازهای فنی و ابراز آن، تجددخواهی نمی‌آورد و آن را توجیه نمی‌کرد و با وجود محبوبیتی که در مقاطعی، نزد مردم داشته، نمی‌توانسته نزد اکثریت محروم که هیچگاه جز زور حرفی نشنیده بودند، در بلند مدت انعکاس مثبت داشته باشد.

در مورد امیرکبیر، در عثمانی به عکس رویه او، ابتدا قدرت شاه محدود شد تا بعد اموراتی که با قدرت شاه بالقوه اصطکاک پیدا می‌کرد، پیش رفت. همچنین امیر در برخورد با زیردستان حکومتی و نیز رعایا بسیار بیرحمانه عمل می‌کرد.<sup>۵</sup>

از نظر نگاه به داخل، دیدگاه سیاسی امیرکبیر افزایش و تمرکز قدرت سیاسی و انحصار آن در دست شاه و روی دیگر این تمرکزگرایی در اقتصاد، یک بوروکراسی نیرومند در مرکز و ممانعت از شکل‌گیری مراکز مختلف مالی در ایالات بود.

و از طرفی از نظر نگاه به خارج، تصور می‌کرد با گزینش برخی از تولیدات غربی مورد نیاز، یعنی آخرین حلقه (و سخت افزار) از زنجیره تمدن، می‌توان به آن رسید؛ اما در هر صورت شاه در ایران از نظر او می‌بایست هرچه قدرتمندتر و صدراعظم خوب کسی بود که نوکر خوبی برای شاه باشد. او بنیاد و روح تمدن جدید را آنطور که باید، درنیافته بود. و البته که برخورد وی با قدرت کاملاً سنتی بود و بیانگر آن است که شناخت کافی

۱. بر اساس برخی اطلاعات و گزارشات، از کل دلارهای نفتی ثبت شده در اقتصاد ایران از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲، حدود ۱۵۰ میلیارد دلار به معنای دقیق کلمه گم شده است (مؤمنی، ۱۳۹۲).

۲. ورود حدود ۳ هزار نفر بدون شرکت در آزمون ورودی به دوره دکتری، از این موارد است (به نقل از: خبرگزاری مهر، ۹۲/۱۱/۸).

۳. بانک مرکزی در گزارش خود رشد تولید ناخالص داخلی کشور در سال ۱۳۹۱ را منفی ۵٫۸ درصد اعلام کرد (بانک مرکزی ج.ا.ا، ۹۳/۱/۸).

۴. برخی پژوهشگران، قاجاریه را از جمله دولت‌های کارشکن دانسته‌اند (ر. ک: زرگری نژاد، ۱۳۸۶).

۵. که برخی از آن، تحت عنوان «استبداد منور» یاد کرده‌اند (ر. ک: آدمیت، ۱۳۶۲).

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

از ماهیت قدرت و کنترل آن به عنوان پیش نیاز تحول اساسی جامعه نداشت تا جایی که وی از اولین قربانیان قدرت مطلقه ای شد که برای استقرارش کوشیده بود.

انقلاب مشروطیت ایران را می توان واکنش به شکست این رویکرد (اصلاح از بالا) دانست. پس از پیروزی، همان بدیل استبداد یعنی هرج و مرج اتفاق افتاد و رفته رفته بر شدت آن افزوده شد؛ به طوری که تا ۱۵ سال پس از انقلاب، حتی یک طرح بزرگ اقتصادی به اجرا درنیامد و اشغال کشور نیز مزید بر علت شد و ظهور رضاشاه با استقبال نخبگان و مردم مواجه گردید.<sup>۱</sup>

تجربیات در کشورمان نشان داده است که اصلاح از درون (حکومتی و آمرانه) به نتیجه نرسیده و اصلاحات بنیان کن (انقلاب) هم بسیار پرهزینه بوده است؛ اگر راهی باشد، در آگاهی بخشی، گام های کوتاه، ملایم، منظم، همگانی و مستمر و بیرون از دولت و با پرهیز از تنش، به عنوان پیش نیاز توسعه جامع و پایدار اقتصادی می باشد.

### پیشنهادهات

پیشنهادهاتی که در پی می آید، پیش نیازهایی در جهت بسترسازی و شرط لازم دستیابی به توسعه پایدار - و توسعه اقتصادی - است:

- فضای مساعد آزاداندیشی و ابراز عقیده، مدارا و رقابت دینی و مذهبی در قرون اولیه اسلامی، موجد نوآوری ها و پیشرفت علمی و تأسیس تمدنی عظیم شد. در یک نظام توسعه گرا، می باید نخبگان، متخصصان و کارشناسان بتوانند آزادانه درباره مهمترین مسائل اظهار نظر کنند و نظرات و ایده ها، به راحتی قابل نقد از سوی جامعه و اهل فن باشد.

- پذیرش و به رسمیت شناختن توسعه نیافتگی کشور از ضروریاتی است که ما را به فکر وادارد که در پی چاره جویی براییم و می باید از توهم استغنا که برای هر مشکلی پاسخ های از قبل آماده و کارآمدی در اختیار داریم، بپرهیزیم. آسیب شناسی عالمانه، تخصصی و دقیق در این مسیر قابل توصیه است.

- به جای تعریف و غلو نسبت به اصلاحگران گذشته و همچنین تمجید از توسعه و پیشرفت، می باید ضمن بالاترین احترام و نکوداشت نسبت به پیشگامان این راه، با نقد منصفانه آنان، راهگشایی نمود؛ ضمن اینکه تئوری ها و روش های رسیدن به پیشرفت می باید تبیین گردد.

- توسعه با ساخت و ساز فیزیکی صرف حاصل نمی شود؛ اگرچه اینها پیش نیاز است. ایده توسعه و تدوین الگوهای پیشرفت معطوف به آن در این عصر، حاصل گسترش و سرریز علوم محیطی خود یعنی علوم انسانی و

۱. تا جایی که مراجع بزرگ شیعه، آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، میرزای نایینی و شیخ عبدالکریم حایری یزدی در آغاز از حکومت وی حمایت نمودند (ر. ک: مهدی حایری یزدی، ۱۳۸۱).

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

اجتماعی و رقابت بین تفکرات گوناگون است. علوم انسانی مهجور و محدود، در هیچیک از حوزه‌ها از جمله در این زمینه حاصلی ندارد و تقویت و تعمیق این علوم می‌باید در دستور کار قرار گیرد. این علوم به عنوان پشتوانه یک نظام توسعه‌ای، در چارچوب متناسب با خود یعنی پذیرش آزادی‌ها و بهادادن به مبانی و روش آن بویژه نقادی و نقدپذیری شکوفا می‌شود و به صورت دستوری رشد نمی‌یابد.

- در پیگیری مسیر توسعه، راه میانبری وجود ندارد که سریعاً جامعه ما را به اهداف برساند؛ هیچ اصلاحی بدون توجه به تجربیات گذشته در کشورمان و کشورهای تاحدودی مشابه و درس آموزی از آن، راه به جایی نمی‌برد. نظام‌هایی که در قرن بیستم می‌خواستند صرفاً با قدرت دولت و بدون استفاده از نظریه‌های آزمون شده، از راه‌های سریع و آسان به هدف برسند، فروپاشی، جنگ‌های داخلی و خارجی دهشت بار، کشتارهای گسترده و تبعیض و نابرابری‌های فزاینده را بر کشور و مردم خود تحمیل کردند.

- امروزه با توجه به نقش منابع نفتی، راهکار توسعه اقتصادی در کشور، از مسیر راه حل‌های صرف اقتصادی نمی‌گذرد؛ بلکه سیاستهای کلان حاکمیتی راهگشاست. در دهه‌های اخیر در ایران، اقتدار دولت عمدتاً با درآمد نفت بالا نگهداشته شده اما اقتدار جامعه مدنی کشور نیز رو به رشد بوده است. اگر دولت همزمان با طی مسیر توسعه، اقتدار خود را کاهش ندهد، یک پتانسیل درهم‌ریزی به وجود می‌آید. برای اجتناب از تنش، می‌باید دولت بخشی از قدرت را به جامعه رشد یافته و صاحب صلاحیت واگذار نماید.

- ایجاد زمینه و آموزش‌های لازم برای شناخت امور اصلاحی و لزوم ایجاد تغییر برای مردمی که نسبت به آداب و فرهنگ خویش - اعم از پیشرفته یا عقب مانده - تعلق خاطر دارند نیز احساس می‌شود؛ در صورتی که نخبگان، خود واقعاً خواهان پذیرش تغییرات بنیادی در فرهنگ و باورهای خویش باشند.

### فهرست منابع

- ۱- آدمیت، فریدون. (۱۳۶۲). امیرکبیر و ایران. تهران: انتشارات خوارزمی، چاپ هفتم.
- ۲- بانک مرکزی ج.ا. ایران، ۱۳۹۳/۱/۸، کد خبر: ۱۲۱۷۴۶.
- ۳- بُن تان، اگوست. (۱۳۵۴). سفرنامه: نامه‌های یک افسر فرانسوی درباره سفر کوتاهی به ترکیه و ایران در سال ۱۸۰۷ م. ترجمه منصوره نظام مافی (اتحادیه). تهران: بی نا..
- ۴- تاریخ اسلام کمبریج. (۱۳۸۱). زیر نظر ا.ج. آربری. ترجمه احمد آرام. تهران: امیرکبیر.
- ۵- تودارو، مایکل. (۱۳۷۷). توسعه اقتصادی در جهان سوم. ترجمه فرجادی. چاپ ۶، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی.
- ۶- توکلینان، جلال. (۱۳۹۳). نخبگان ایران در دوران گذار؛ تهران: نگاه معاصر، چاپ دوم.
- ۷- حائری یزدی، مهدی. (۱۳۸۱). خاطرات مهدی حائری یزدی. طرح تاریخ شفاهی ایران، تهران: نادر.

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

- ۸- خبرگزاری مهر، ۱۳۹۲/۱۱/۱۸، کد خبر: ۲۲۳۰۵۶۸.
- ۹- خیرخواهان، جعفر. (۱۳۸۹). رابطه نوآوری نهادی با ظهور و افول تمدن اسلامی: یک ارزیابی مقدماتی. مجموعه مقالات همایش اقتصاد اسلامی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد، اردیبهشت.
- ۱۰- داور، علی اکبر. (۱۳۰۵). بحران. آینده، شماره ۱۳، دی ماه.
- ۱۱- دنبلی، عبدالرزاق. (۱۳۸۳). مآثر سلطانیه (تاریخ جنگ های ایران و روس از روی نسخه موزه بریتانیا). به کوشش فیروز منصوری. تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۱۲- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۲۶ق). مقاله (سرمقاله) در صور اسرافیل. شماره ۱۷، ماه شوال.
- ۱۳- رئیس نیا، رحیم. (۱۳۸۲). ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم. تبریز: نشر ستوده.
- ۱۴- رادمرد، محمد. (تاریخ مراجعه: دی ماه ۱۳۹۳). نگاهی به مقاله «عطا و لقای امیرکبیر». از کتاب «نخبگان ایرانی در دوران گذار»: <http://borhan.ir>
- ۱۵- رنانی، محسن. (۱۳۸۱). تناسب در اقتدار، بازسازی سرمایه اجتماعی. ماهنامه آفتاب، س. ۲، ش ۱۹.
- ۱۶- رنانی، محسن. (۱۳۹۱). اقتصاد ایران در محدوده سیاست: جهش در تولید و اشتغال ملی نیازمند تحول سیاسی است. چشم انداز ایران - شماره ۷۴ تیر و مرداد ۱۳۹۱
- ۱۷- زرگری نژاد، غلامحسین. (۱۳۸۶). رسائل مشروطیت. تهران: مؤسسه توسعه و تحقیقات علوم انسانی.
- ۱۸- زیباکلام، صادق. (۱۳۹۲). سنت و مدرنیته، ریشه یابی علل شکست کوشش های اصلاح طلبانه در ایران عصر قاجار. تهران: انتشارات روزنه.
- ۱۹- ژوبر، پ. ام. (۱۳۴۷). مسافرت به ارمنستان و ایران. ترجمه محمود مصاحب. تبریز: چهر.
- ۲۰- سپهر، محمدتقی لسان الملک. (۱۳۷۷). ناسخ التواریخ. به اهتمام جمشید کیانفر. تهران: اساطیر.
- ۲۱- سیسموندی، سیسمون دو. (۱۳۸۶). اکونومی پلیتیک. ترجمه رضا (ژول) ریشار. به کوشش ناصر پاکدامن. نشر نی.
- ۲۲- شوا، ا. ج. (۱۳۷۰). تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید. ترجمه رمضان زاده. معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- ۲۳- شریعتی، علی. (۱۳۵۹). جهت گیری طبقاتی اسلام. مجموعه آثار - ۱؛ دفتر تدوین و تنظیم مجموعه آثار.
- ۲۴- عظیمی، حسین. (۱۳۷۱). مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران. نشرنی.
- ۲۵- غنی نژاد، موسی (۲۶ فروردین ۱۳۸۹) ایدئولوژی اقتصاد دولتی، مهمترین عامل توسعه نیافتگی؛ گفتگو با پایگاه خبری آفتاب، تاریخ مراجعه: دی ماه ۱۳۹۳ کد خبر: <http://aftabnews.ir/fa/news73437>



## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

- ۲۶- فرهمندزاده، فریده. (۱۳۸۷). موانع اصلاحات عباس میرزا قاجار نایب‌السلطنه در بخش‌های دربار، سپاه و نهاد دین. تاریخ ایران و اسلام. شماره پاییز و زمستان، دانشگاه لرستان.
- ۲۷- فوکوتساوا یوکیچی. (۱۳۶۳). نظریه تمدن. ترجمه چنگیز پهلوان. نشر آبی، ص ۲۹.
- ۲۸- کاتوزیان، محمدعلی. (۱۳۸۹). بررسی مشکلات توسعه سیاسی و اقتصادی بلند مدت در ایران. مرکز پژوهش‌های مجلس.
- ۲۹- کاتوزیان، محمد علی همایون. (۱۳۷۲). اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی. ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی؛ نشر مرکز.
- ۳۰- کاتوزیان، همایون. (۱۳۹۱). ایران، جامعه کوتاه‌مدت و سه مقاله دیگر. ترجمه عبدالله کوثری. نشر نی، چاپ دوم.
- ۳۱- کانون ایرانی پژوهشگران فلسفه: <http://www.iptra.ir/vdcjee8iqu.html>
- ۳۲- گاردان، کنت آ. (۱۳۶۲). مأموریت ژنرال گاردان در ایران. ترجمه عباس اقبال آشتیانی. نشر گزارش فرهنگ و تاریخ ایران.
- ۳۳- گوک بیلگین، طیب. (۱۳۸۱). امپراتوری عثمانی و اصلاحات مدحت پاشا. ترجمه حضرتی. فصلنامه تاریخ اسلام، ش ۱۲.
- ۳۴- لمبتون، آن. (۱۳۶۲). مالک و زارع در ایران. ترجمه منوچهر امیری. انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۳۵- مؤمنی، فرشاد. (۱۳۹۲). ۱۵۰ میلیارد دلار نفتی گم شده است. نسیم بیداری، سال ۵، شماره ۴۳.
- ۳۶- مصطفوی، سیدمحمدحسن. (۱۳۹۳). نقش نهادها در فرایند پیشرفت و توسعه و رویکرد اسلامی به آن: نقش دولت، فرهنگ و نظام آموزشی با نگاهی تاریخی. ارائه شده در سومین کنفرانس الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت.
- ۳۷- ملک آرا، عباس میرزا. (۱۳۲۷). شرح حال. به اهتمام عبدالحسین نوایی و عباس اقبال آشتیانی. شرکت سهامی چاپ.
- ۳۸- ملکم، سرجان. (۱۳۶۲). تاریخ ایران؛ ترجمه میرزا اسماعیل حیرت. تهران: دنیای کتاب.
- ۳۹- موریه، جیمز. (۱۳۸۶). سفرنامه جیمز موریه: ایران سیر و سیاحت قرن ۱۳. ترجمه ابوالقاسم سری. نشر توس.
- ۴۰- ناصری، ایرج. (۱۳۸۵). عباس میرزا، جنگ‌های ایران و روسیه و اصلاحات (۱۲۱۸-۱۲۴۳ق/۱۸۰۳-۱۸۲۸م). پایان نامه دکتری؛ به راهنمایی محمدسلماسی زاده؛ دانشگاه تهران.
- ۴۱- وقایع نگار شیرازی، میرزا احمد خان. (۱۳۳۸). تاریخ قاجاریه، به نقل از آینده. شماره ۳، دوره ۴.
- ۴۲- ویتفوجل، کارل آوگوست. (۱۳۹۱). استبداد شرقی: بررسی تطبیقی قدرت تام. ترجمه محسن ثلاثی؛ نشر ثالث.

چهارمین کنفرانس الگویی اسلامی ایرانی پیشرفت

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام وی وی کیوم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

۴۳- هاشمی رفسنجانی، اکبر. (۱۳۴۶). امیرکبیر، قهرمان مبارزه با استعمار. انتشارات فراهانی.

۴۴- یادداشت های امیر اسدالله علم. (۱۳۹۲). خاطرات ۶ جلدی علم وزیر دربار ۵۶-۱۳۴۵. انتشارات مازیار،

معین، کتاب سرا.

45- Grossman, Gene M. and Elhanan Helpman. (2001). Innovation and Growth in the Global Economy. Massachusetts Institute of Technology Press, Seventh Edition.

46- Kuran, T. (1997). Islam and Underdevelopment: An Old Puzzle Revisited. Journal of Institutional and Theoretical Economics: 153.

47- Lewis, Bernard. (2002). The emergence of modern Turkey; 3rd; New York.

48- Malcolm, Sir John. (1976). The history of Persia from the most early period to the present time. Tehran imperial organization for social services.

49- Miller, W. (1927). The Ottoman Empire and Its Successors 1801-1927. London.

50- [www.darioush-shahbazi.com](http://www.darioush-shahbazi.com)

51- [www.ensani.ir](http://www.ensani.ir)

52- [www.goftogoonews.com](http://www.goftogoonews.com)